

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال نوزدهم / دوره جدید / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۱۲۲-۱۳۰ (مقاله علمی - پژوهشی)

مشترکات مذاهب در «الخلل فی الصلاة» (بر اساس الخلل فی الصلاة محقق کرکی)

• عباسعلی سلطانی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

soltani@um.ac.ir

• محمود ویسی

استادیار گروه فقه و حقوق شافعی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

m.veysi@mazaheb.ac.ir

• علیرضا عالم زاده

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)
ali.alemzadeh64@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۴

چکیده

فریضه نماز، به عنوان عمود دین و سبب قبول شدن دیگر اعمال عبادی مسلمانان و مهم‌ترین فریضه دین اسلام است. در فقه تطبیقی، «صلاة» از مناسکی است که بررسی تحلیلی و تطبیقی ماهیت، ارکان و شرایط آن موجب آشکار شدن وجوه اشتراک و افتراق دیدگاهها و روش مواجهه مذاهب فقهی اسلامی با آن می‌شود. از دید فقهی غالب مذاهب خمس، وقت، طهارت از حدث و خبث، ستر عورت، استقبال قبله و... شرایطی هستند که صحت نمازهای یومیه متوقف بر تحقق آنها است. فقه امامیه و مذاهب اربعه، هر یک با بهره بردن از منابع و مستندات خود، احکام فقهی را استنباط و استخراج کرده‌اند که سه مذهب امامیه، حنفیه و حنابله با وجود اختلافاتی، واجبات نماز را به دو دسته رکنی و غیر رکنی تقسیم کرده‌اند؛ اما شافعیه و مالکیه معتقدند که واجباتی برای نماز غیر از ارکان وجود ندارد. کتاب «الخلل فی الصلاة» محقق کرکی، رساله فقهی و استدلالی کوتاهی در مورد خلل واقع در نماز و شکایات است که در دو قسم کلی سهو و شک نگاشته است. این مقاله پس از معرفی آن، به بررسی این موضوع به عنوان زمینه‌ای برای ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی، از طریق بیان موارد مورد اتفاق فقهای شیعه و سنی در موضوع الخلل فی الصلاة پرداخته و امکان‌سنجی شده است.

کلیدواژه‌ها: نماز، الخلل فی الصلاة، شروط نماز، أجزاء، فقه تطبیقی.



مقدمه

فقه اسلامی، علم به احکام شرعی فرعی یا به دست آوردن و شناخت وظیفه عملی مکلف از منابع و ادله شرعی است. این دانش سترگ و فاخر محصول قرنهای تلاش و اجتهاد فقیهان ژرفاندیش می‌باشد. احکام فقهی از طریق استدلال و تحقیق در منابع چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل به دست می‌آید. در کتابهای فقهی دسته‌بندیهای متنوعی برای موضوعات فقهی ارائه شده است. بر اساس دسته‌بندی محقق حلی در «شرایع الاسلام»، این موارد از طهارت تا دیات را در برمی‌گیرد و به پنجاه و دو باب می‌رسد. این ابواب را می‌توان به چهار قسمت تقسیم کرد: ۱. عبادات ۲. عقود ۳. ایقاعات ۴. احکام. در این تحقیق، کتاب «الخلل فی الصلاة» که تألیف محقق کرکی است و تا کنون چاپ نشده است و نسخه‌هایی از آن به شرحی که در صفحات آینده توضیح داده می‌شود، مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

این کتاب در گروه عبادات است. با توجه به تحقیق و بررسیهایی که از کتابخانه‌ها و فهرستهای راهنما و سایت‌های اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی و خانگی کتاب به دست آمد، این اثر چاپ و منتشر نشده است و از آن چهل و هفت نسخه خطی موجود است. این پژوهش با توجه به سه نسخه‌ی متفن اقدم و نزدیک به مؤلف نگاشته شده است که عبارت‌اند از: نسخه شماره ۲۹۳۰۶، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابت شده در سال ۹۰۵ق؛ نسخه شماره ۲۱۴۷/۱۵، کتابخانه‌ی ملک، تهران، کتابت شده در ۹۰۸ق؛ و نسخه شماره ض ۱۵۷۴۸، کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابت شده در سال ۹۰۵ق.

هرچند که فقهای بزرگ در بخش نماز، قسمتی را به این موضوع اختصاص داده‌اند، ولی کمتر اتفاق افتاده که به صورت متمم و مجزا به این امر اختصاص داده باشند. به طور مثال بخش اول کتاب «منهاج الصالحین» که به نام الخلل فی الصلاة، در کتاب الصلاة، سیدعلی

سیستانی، نیز چاپ و منتشر شده است؛ اما به صورت مجزا و در همین موضوع اثری به نام کتاب الخلل فی الصلاة، از سید روح‌الله خمینی وجود دارد که حاوی آرای اجتهادی و استدلالی ایشان، به زبان عربی، در مبحث مربوط به احکام فقهی خلل نماز، که در آخرین سالهای اقامت ایشان در نجف اشرف نوشته شده است. در این مقاله پس از معرفی «الخلل» و مباحث پیرامون آن به سیر تطور الخلل نگاری، پرداخته و ضمن بیان نوع مواجهه‌ی فقهای شیعه و مذاهب اهل سنت با این موضوع، به این سؤالات پاسخ داده می‌شود: از چه زمانی به این موضوع توجه شده و در مورد آن آثاری نگاشته شده است؟ آیا این موضوع می‌تواند به عنوان پلی برای وحدت تلقی شود؟

فقیه شیعه محقق کرکی مشهور به علی بن عبدالعال، محقق ثانی و خاتم المجتهدین (نک: مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۷۲؛ روملو، ۱۳۵۷ش، ص ۳۳۱) در منطقه جبل عامل در کرک نوح متولد شد (افندی اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۵۲۰) در عصر خویش معروف به علایی و دارای ویژگیهای برجسته بود که او را جامع مقاصد پیشینیان و مؤسس پسینیان و مجدد مذهب حق پیغمبر آخرالزمان و گشاینده ابواب فقه دانسته‌اند (تنکابنی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۳۲) وی پس از سفرهای علمی به مصر و عراق و کسب دانش و پرداختن به تعلیم و تعلم، در ایران مستقر گردید و نزد شاه صفوی تقرب یافت به حدی که شاه سلطنت را به او تفویض کرد و خود را یکی از عمال و کارگزاران شیخ خواند و محقق طی احکامی که به اطراف و ولایات نوشت، کیفیت سلوک عمال با رعایا را به آنان گوشزد کرد.

با نگاهی به آثار مهاجرت محقق کرکی به ایران می‌توان دریافت که هدف محقق کرکی با ورود به ایران و همکاری با دولت صفوی، استفاده از وسائل و اسباب فراهم شده برای رشد و توسعه فرهنگ غنی اسلام و گسترش معروف و جلوگیری از نواهی و منکرات بوده





است. او زنده کننده مذهب شیعه در ایران است، زیرا در آغاز دولت صفویه وارد ایران شد و کشور ایران را که تازه در آن مذهب شیعه رسمی شده بود، با اقدامات سازنده و اهتمام زایدالوصف و دانش و تقوای گران بارش با مکتب اهل بیت عصمت و طهارت و مذهب شیعه اثناعشری آشنا ساخت (آغا جری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶).

اهمیت تدوین «الخلل فی الصلاة»

ابتلاء و احتیاج عموم مکلفان و از جمله صدور احادیث فراوانی از ائمه معصومین (ع) در خصوص خلل در نماز موجب اهمیت این موضوع شده است. همچنین با توجه به اهمیت زمان و مکان در بررسی آثار علمی، به خصوص نگارشهای فقهی، بررسی تاریخچه و پیشینه نگارشهایی با عنوان «الخلل فی الصلاة» بسیار مهم و تعیین کننده خواهد بود؛ چرا که با روشن شدن دلایل وجودی نگارش رساله‌هایی مجزا، هم دلایل این تصمیم فقیهان در بستر تاریخ و هم نقش تاریخی این نگارش، بیانگر بسیاری از واقعیتهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن زمان خواهد بود.

با توجه به آثار موجود، اولین فقیه شیعی که در اثری با عنوان «الخلل» را برای مجموعه‌ای از مباحث فقهی برگزیده، ظاهراً محقق حلی در شرایع است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۸۱۵). فقیهان پیش از محقق حلی، یا به این مسائل توجهی نداشتند، یا ذیل عنوانهای دیگری به این موضوع پرداخته‌اند. به طور مثال صدوق در کتاب المقنع فی الفقه، زیر عنوان «باب السهو فی الصلاة» به برخی مسائل و احکام سهو، پرداخته است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۶). صدوق همچنین در کتاب الهدایة بالخیر، زیر عنوان «باب مایعاد منه الصلاة» تنها حدیث معروف «لاتعاد الصلاة الا من خمس» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۴، ص ۳۳) را آورده و از آن رد شده است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۸۱). مفید در کتاب المقنعه فی الاصول و الفروع، زیر عنوان

«باب احکام السهو فی الصلاة» و ما يجب منه اعادة الصلاة» احکام سجده سهو و کیفیت خواندن سجده سهو و چندین بحث دیگر را به اجمال مورد بررسی قرار داده است (مروارید، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۲۴).

همچنین طوسی در کتاب النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، عنوان «باب السهو فی الصلاة و احکامه، ما يجب منه اعادة الصلاة» را انتخاب کرده و همان مباحث مطروحه در آثار پیش از خود، را با شیوه‌ای دیگر بیان کرده و فقط مواردی از خلل که نماز را باطل نمی‌کند، را نیز برشمرده است (طوسی، ۱۳۴۲ش، ج ۱، ص ۹۰). نیز در تهذیب الاحکام خود با عنوان «باب احکام السهو فی الصلاة و ما يجب منه اعادة الصلاة» بابتی دارد (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۸۵)؛ سلار دیلمی در کتاب المراسم العلویة (سلار دیلمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۷۸) با عنوان «ذکر مایلزم المفراط فی الصلاة» آورده که پنج نوع عمل بر مفراط در نماز لازم می‌شود، بعد از آن تقسیم جدید را ارائه نموده است.

قاضی ابن براج در کتاب الجواهر الفقه خود، ضمن بیان شش مسأله، به طور مختصر این مباحث را مورد بررسی قرار داده است. او در کتاب دیگرش المهدب، تقسیم‌بندی طوسی و سید مرتضی را نقل کرده و بحث مفصل‌تری ارائه کرده است (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۶). ابن حمزه در کتاب الوسیلة الی نیل الفضیلة، با عنوان فصل فی بیان احکام السهو، فقط عنوان را تغییر داده، ولی مطالب را تکرار کرده است (ابن حمزه، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۲).

از دیگر مواردی که بعدها به دلیل اهمیت این موضوع به صورت مستقل در این مورد رساله‌ای نگاشته شده، می‌توان مواردی را بیان کرد که به چند نمونه اکتفا می‌شود:

۱- الخلل فی الصلاة، تألیف زین‌الدین علی بحرانی (سده یازدهم هجری)

۲- الخلل فی الصلاة، تألیف شهید اول (د ۷۸۶هـ.ق)

- ۳- الخلل فی الصلاة، تألیف نورالدین ابوالحسن علی بن حسین، مشهور به علی بن عبدالعال، محقق ثانی (د ۹۴۰هـ.ق)
- ۲۰- خلل الصلاة و احکامه، تألیف مرتضی بن عبدالکریم حائری (د ۱۴۰۶هـ.ق)
- ۲۱- الخلل فی الصلاة، تألیف سید روح الله خمینی که مفصل ترین و جامع ترین کتاب در این مورد محسوب می گردد.
- ۵- الخلل فی الصلاة، تألیف شهید ثانی (د ۹۶۶هـ.ق)
- ۶- الخلل فی الصلاة، تألیف جمال الدین احمد بن محمد بن فهد حلّی (د ۸۴۱هـ.ق)
- ۷- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد بن حسن شیروانی اصفهانی (د ۱۰۹۴هـ.ق)
- ۸- الخلل فی الصلاة، تألیف سید محمد مهدی بن مرتضی بن محمد بن عبدالکریم طباطبایی بروجردی نجفی بحر العلوم (د ۱۲۱۲هـ.ق)
- ۹- الخلل در نماز (به فارسی)، آقامحمد علی کرمانشاهی (۱۱۴۴-۱۲۱۶هـ.ق)
- ۱۰- احکام الخلل فی الصلاة، مرتضی بن محمد امین انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱هـ.ق)
- ۱۱- الخلل فی الصلاة، تألیف محمد علی بن محمد حسن امامی خوانساری (تولد ۱۳۳۲هـ.ق)
- ۱۲- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد علی بن محمد نصیر چهاردهی (د ۱۳۳۴هـ.ق)
- ۱۳- الخلل فی الصلاة، تألیف محمد باقر گلپایگانی نجفی (د ۱۳۳۲هـ.ق)
- ۱۴- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا محمد تقی شیرازی (د ۱۳۳۸هـ.ق)
- ۱۵- الخلل فی الصلاة، تألیف محمد بن قاسم الحجی البحرانی النخعی (د ۱۳۴۴هـ.ق)
- ۱۶- الخلل فی الصلاة، تألیف میرزا ابراهیم بن ابی الفتح الزنجانی (د ۱۳۵۱هـ.ق)
- ۱۷- الخلل فی الصلاة، تألیف موسی بن محمد خوانساری نجفی (د ۱۳۶۲هـ.ق)
- ۱۸- الخلل فی الصلاة، تألیف محمد بن علی حجت کوه کمره ای (۱۳۱۰-۱۳۷۲هـ.ق)
- ۱۹- الخلل فی الصلاة، تألیف مظفر بن محمد علی
- حسینی (سده چهاردهم هجری)
- فقهای اهل سنت نیز توجه خاصی به مبحث «الخلل» در نماز داشته اند هر چند شاید بتوان گفت رساله ای مستقلی در این باره تدوین نکرده اند که در ادامه پیشینه تاریخی نظرات آنها و احکام توافقی رساله الخلل محقق کرکی با این نظرات بیان می شود.

ویژگیها و برجستگیهای الخلل فی الصلاة

محقق کرکی

این رساله فقهی و استدلالی که در مورد خلل فی الصلاة توسط عالمان و فقهای شیعه نگاشته شده، دارای ویژگیهایی مشترک و عمومی است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. استفاده از آیات و احادیث

در این اثر هم چون سایر آثار فقیهان برجسته، مباحث مستدل به آیات و احادیث شده، اما نه به آن میزان که بزرگانی مانند مرتضی انصاری و فقیهان معاصر همچون سید روح الله خمینی از این موضوع بهره برده اند. وی با اشاراتی چند به این موضوع به صورتی ساده و دقیق به طرح مصادیق پرداخته و سعی در تقسیم بندی جامع و مانع و نیز کاربردی داشته است.

۲. تقسیم بندی ساده و دقیق

برخی از علما برای کاربردی تر شدن رساله، تمامی سعی خود را در تقسیم بندی ساده و دقیق، مباحث و مصادیق نموده اند. موضوعی که فقیهان بعد، با تکمیل روش متقدمان، این موضوع را به صورتی کامل و جامع مورد بررسی و تحقیق قرار دادند، تا جایی که





رساله *الخلل فی الصلاة*، سید روح الله خمینی جامع ترین و کامل ترین اثری شد که در این موضوع نگاشته شده است.

۳. تکثیر فروع

در این رساله شاید بتوان گفت که محقق کرکی، از اولین افرادی باشد که با زیرشاخه‌های متنوع و اشکالات و سؤالاتی که در مبحث امکان ایجاد و برخورد با آن وجود داشت را مورد توجه قرار داده و مطرح کرده که پس از طرح سعی در پاسخ آن نموده است و این خود به عنوان یکی دیگر از شاخصه‌های این آثار قابل توجه است.

۴. تمرکز بر اصل موضوع

در برخی از آثار فقیهان برجسته که در مورد *الخلل* نگاشته‌اند، در کنار طرح موضوع، انبوهی از اطلاعات، مباحثی در مورد رجال، تتبع در احوال و اقوال دیگر فقیهان و سایر زمینه‌ها وارد موضوع شده که در اثر محقق کرکی خبری از آن نیست. ایشان تنها به طرح موضوع، تقسیم‌بندی آن و هرآنچه راهگشای خواننده در این موضوع بوده را پیش روی خواننده، قرار داده است و گویا علاقه‌ای به طرح مباحث دیگری نداشته است.

پیشینه «*الخلل فی الصلاة*» در فقه اهل سنت اطلاع و آگاهی از نظریات فقهای اهل سنت از عوامل و عناصر بسیار مؤثر در فهم اخبار و کیفیت اجتهاد است، بنابر قول سید حسین بروجردی، فقه شیعه، حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت است (شکوری، ۱۳۷۰ش، ص ۳۰) پس با درک متن، حاشیه‌ی آن نیز بهتر فهمیده می‌شود. از این روی اجمالی از نظریات و آراء فقیهان برجسته‌ی اهل سنت را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- امام محمد بن ادریس شافعی در کتاب «*الأم*» قسمتی به نام «باب السجود السهو» را آورده و تنها

به مسائل سهو و شکوک را به اختصار مورد بررسی و توجه قرار داده است (شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۸).
۲- امام مالک بن انس، در کتاب «*المدونة الكبرى*» با عنوان «ما جاء فی السهو فی الصلاة»، مسائل مربوط به سهو را مورد توجه قرار داده است (مالک، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۲۱۸-۲۲۶)

۳- امام بخاری در «*صحيح*» خود ضمن باب السجود السهو، به صورتی مستند به احادیث و روایات، ولی مختصر به این موضوع توجه کرده است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۶۸-۷۰)
۴- مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در «*صحيح*» در باب سهو در نماز به این موضوع پرداخته است (مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، صص ۳۹۹-۴۰۵)

۵- شمس‌الدین سرخسی، در کتاب «*مبسوط*» خود در «باب السهو» به صورت اجمالی مبطلات نماز را همچون: زیاد کردن رکعت‌های نماز، ترک سجده‌تین، مسائل شکوک و... را مورد توجه قرار داده است (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۲۲۲-۲۲۹)
با نگاهی دقیق به آثار اهل سنت، می‌توان دریافت که در این آثار به عنوان اولین نگارشهای فقهی، توجه خاصی به این موضوع صورت گرفته و بیشترین توجه در مذهب شافعی با ذکر جزئیات بوده است، هرچند که فقهای شیعه به صورت مجزا آثاری در موضوع *الخلل* نگاشته‌اند؛ اما اگر با نگاهی وحدت گستر به این موضوع توجه شود، می‌توان چنین استدلال کرد که همه مذاهب در پی حل مشکلات و سؤالات مسلمانان و پیروان خود بوده‌اند و تنها روش پرداختن به موضوع تفاوت داشته است.

احکام توافقی کتاب *الخلل* با نظرات علمای اهل سنت

در نهایت با بررسی آثار بزرگان فقه اهل سنت و شیعه چنین می‌توان گفت که هرچند در *الخلل فی الفقه* فقهای شیعی، بسیار به جزئیات توجه شده و این توجه به

صورت اثری منظم و منسجم، تدوین یافته است، که در قسمت پیشین به صورت جزئی به آنها اشاره شد و نمونه‌هایی بیان شد، تمامی مذاهب اسلامی در این موضوع اتفاق نظر و اشتراک دارند که اگر در واجبات نماز اخلال وارد شود آن هم به صورت عمدی، باعث ابطال نماز خواهد شد و اگر اخلالی به سهو در آنها صورت گرفت باید با سجده سهو جبران گردد (نک: حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۰۳؛ شافعی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۲؛ مالک، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۶۶-۱۰۵).

محقق کرکی در *الخلل فی الصلاة* می‌فرماید قاعده کلی این است که گفته شود: «کسی اخلال به جزئی از نمازش نماید، سهو (از روی فراموشی) و در محل خودش یادش بیاید، واجب است بر او که آن را انجام دهد به جهت اینکه جبرانش ممکن است و هنوز از محل آن نگذشته است و اگر بعد از گذشت و انتقال به جزء دیگر یادش آمد و منتقل عنه (چیزی که از آن گذشته) و منتقل الیه (چیزی که به آن انتقال پیدا کرده و رسیده) هر دو رکن باشند، نمازش باطل است، چه آنکه اگر برگردد و مافات را انجام دهد، رکنی اضافه شده و اگر نماز را ادامه دهد و مافات را حیران نکند، رکنی کم شده و هردو (چه رکنی کم شود و چه رکنی زیاد شود) باطل است، همانند کسی که قیام را فراموش کند و نیت کند یا نیت را فراموش کند و تکبیرة الاحرام را گوید یا تکبیر را فراموش کند و شروع به قرائت نماید یا اینکه رکوع را فراموش کند و به سجده برود یا هر دو سجده را از یک رکعت فراموش کند و به رکوع رکعت بعد برسد و یادش آید و فرقی نمی‌کند این امور در دو رکعت اول یا دو رکعت آخر باشد و کسی که فراموش کرده قرائت حمد یا سوره یا بعض این دو را مثلاً حرفی از کلمه یا اعراب حرفی را فراموش کرده و قبل از رکوع یادش آمد (أتوبه) برگردد و از همانجا در مرتبه آن و مابعدش را انجام دهد و یک سجده سهو هم برای زیاده به جا آورد.

همچنین حنفیه موضوع سجده سهو را بعد از تسلیم نماز ذکر کرده و گویند که «سَبَبُ سُجُودِ السَّهْوِ، فَهُوَ أَنْ يَتْرُكَ الْمُصَلِّيَ وَاجِبًا، أَوْ يَزِيدَ رُكْنًا كَالرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ إِذَا سَهَا مَرَارًا يَكْفِيهِ سَجْدَتَانِ؛ لِأَنَّ التَّكْرَارَ غَيْرُ مَشْرُوعٍ عِنْدَهُمْ وَلَوْ سَهَا فِي سُجُودِ السَّهْوِ، لَا سَهْوَ عَلَيْهِ» (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۲۲)؛ «سبب سجده سهو آن است که نمازگزار فعل واجبی را ترک کرده یا یکی از ارکان را که رکوع و سجود است زیاد به جا آورده باشد، هرگاه چند مرتبه سهو کرد دو سجده کافی است چون تکرار سجده سهو نزد آنها مشروع نیست، هرگاه در سجده سهو باز هم سهو کرد برای او سهوی نیست».

مالکیه در جایگاهی که نقص به همراه زیادتی در نماز روی داده باشد، محل آن را قبل از تسلیم نماز ذکر کرده‌اند ولی اگر تنها زیادتی در نماز روی داده باشد، سجده سهو باید بعد از تسلیم نماز انجام گردد، آنها گویند: «إِنْ كَانَ السَّهْوُ فِي النُّقْصَانِ وَ كَانَ مَتْرُوكٌ مُسْتَحَبًّا فَيَسْجُدُ لَهُ سُجُودَ السَّهْوِ، وَ إِنْ كَانَ الْمَتْرُوكُ فَرَضًا مِنْ فَرَائِضِ الصَّلَاةِ فَلَا يَجِبُ السُّجُودُ، بَلْ لَا بُدَّ مِنَ الْإِتْيَانِ بِهِ. وَ إِنْ كَانَ السَّهْوُ فِي الزِّيَادَةِ كَمَا لَوْ زَادَ رُكُوعًا أَوْ رُكُوعَيْنِ، أَوْ رُكْعَةً، أَوْ رُكْعَتَيْنِ، فَيَجِبُ بِسُجُودِ السَّهْوِ» (مالک، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ «اگر سهو در چیزی است که ناقص شده و مستحبی است که ترک شده برای آن باید سجده سهو کرد و اگر آن چه ترک شده واجب بوده در این صورت سجده سهو آن را حیران نمی‌کند، بلکه خود آن را باید به جا آورد. اگر سهو در زیادی چیزی بود مانند یک یا دو رکوع، یا یک یا دو رکعت، سجده سهو آن را حیران می‌کند».

حنابله موضع سجود سهو را هم قبل و بعد از تسلیم ذکر کرده‌اند و گویند که «سَبَبُ سُجُودِ السَّهْوِ، زِيَادَةٌ وَ نَقْصَانٌ وَ شَكٌّ، وَ مِثَالُ الزِّيَادَةِ أَنْ يَزِيدَ قِيَامًا أَوْ قُعُودًا، فَمَنْ قَعَدَ مَكَانَ الْقِيَامِ، أَوْ قَامَ مَكَانَ الْقُعُودِ، سَجَدَ لِلْسَّهْوِ، أَمَّا النُّقْصَانُ فَلَهُ عَمَلِيَّةٌ خَاصَّةٌ عِنْدَهُمْ وَ هِيَ إِذَا تَذَكَّرَ النُّقْصَانَ قَبْلَ الشَّرُوعِ بِقِرَاءَةِ الرُّكْعَةِ التَّالِيَةِ، يَجِبُ





أَنْ يَأْتِيَ بِمَا سَهَا عَنْهُ، وَ يَسْجُدُ لِلسَّهْوِ، مِثَالُ ذَلِكَ إِذَا سَهَا عَنِ الرُّكُوعِ وَهُوَ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى وَ بَعْدَ السُّجُودِ تَذَكَّرَ فَيَأْتِيَ بِالرُّكُوعِ، ثُمَّ يُعِيدُ السُّجُودَ وَإِذَا تَذَكَّرَ بَعْدَ أَنْ دَخَلَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَ شَرَعَ بِالْقِرَاءَةِ، تَهْمَلُ الْأُولَى كَلِيَّةً وَ تُصِيحُ الثَّانِيَةَ هِيَ الْأُولَى. أَمَّا الشُّكُّ الْمَوْجِبُ لِسُجُودِ السَّهْوِ، فَمِثَالُهُ أَنْ يَشُكَّ فِي تَرْكِ الرُّكُوعِ أَوْ فِي عَدَدِ الرُّكْعَاتِ، فَإِنَّهُ يَبْنِي عَلَى الْمُتَيَقِّنِ وَ يَأْتِي بِمَا شُكَّ بِهِ وَ يَتِمُّ الصَّلَاةَ، ثُمَّ يَسْجُدُ لِلسَّهْوِ وَ يَكْفِيهِ سَجْدَتَانِ لِجَمِيعِ السَّهْوِ وَ إِنْ تَعَدَّدَ الْمَوْجِبُ وَ لَا سَهْوَ لِكَثِيرِ السَّهْوِ عِنْدَهُمْ» (ابن قدامة، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۷۳)؛ «سبب سجده سهو زیاده و نقصان و شک است و مثال زیاده این است که اگر قیام و قعودی زیاد شود یعنی کسی به جای قیام بنشیند یا به جای نشستن بایستد برای سهو باید سجده کند، اما برای نقصان عملی خاص است. مثلاً اگر قبل از شروع به رکعت بعدی، نقصان را به یاد آورد واجب است آن چه سهو کرده به جا آورد و سجده سهو کند مانند این که اگر مشغول رکعت اول است و رکوع را سهو کرد و بعد از سجود به یاد آورد باید رکوع را به جا آورد و باز سجده را اعاده کند. هرگاه بعد از دخول در رکعت دوم به یاد آورد و شروع به قرائت کرد رکعت اول به کلی مهمل می شود و رکعت دوم، رکعت اول حساب می شود. اما شکی که موجب سجده سهو می شود، مثل این است که در ترک رکوع شک کند یا در عدد رکعات، باید بنا را بر یقین گذارد و آن چه را در آن شک دارد به جا آورد و نماز را تمام کند، سپس سجده سهو به جا آورد و برای تمام سهوها دو سجده کافی است اگرچه موجب متعدد باشد و همین طور برای کثیر الشک سهوی نیست».

شافعیه موضع سجود سهو را بعد از تشهد ذکر کرده و چنین اعتقاد دارند: «سَبَبُهُ تَرْكُ سُنَّةٍ مُؤَكَّدَةٍ أَوْ زِيَادَةٍ؛ «سبب سجده سهو ترک سنت مؤکد است یا افزایش کلام است که باعث سجده سهو خواهد شد». فقه امامیه نیز بین حکم شک و سهو تفاوت قائل است. آنها گویند: «لَا يَعْتَنِي بِالشُّكِّ فِي شَيْءٍ مِنْ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ إِذَا حَصَلَ

بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْهَا وَلَا بِشُكِّ الْمَأْمُومِ بَعْدَ الرُّكْعَاتِ مَعَ ضَبْطِ الْإِمَامِ، وَلَا بِشُكِّ الْإِمَامِ مَعَ ضَبْطِ الْمَأْمُومِ، ... وَلَا عِبْرَةَ بِشُكِّ كَثِيرِ الشُّكِّ، وَلَا بِالشُّكِّ فِي فِعْلٍ مِنْ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الدُّخُولِ بِالْغَيْرِ، مِمَّا هُوَ مُتَرْتَّبٌ عَلَيْهِ ...» (مغنیه، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۷)؛ «اگر در چیزی از افعال نماز در موقعی که پس از اتمام آن باشد شک کرد، اعتنا نکند و نیز مأوموم پس از ضبط امام به شک خود اعتنا نکند همین طور امام با ضبط مأوموم اعتنا به شک خود نکند، ... و به شک کثیر الشک اعتباری نیست و همچنین به شک در جزئی از افعال پس از وارد شدن فعل بعدی اعتباری نیست». همچنین بنا به نظر محقق کرکی: «مَنْ نَسِيَ تَشَهُدًا أَوْ جُزْءًا مِنْهُ ذَكَرَ بَعْدَ رُكُوعِهِ أَمَّا لَوْ ذَكَرَ الْأَخِيرَ قَبْلَ التَّسْلِيمِ أَوْ فِي إِثْنَائِهِ أَتَى بِهِ وَ بَعْدَهُ يَفْضِيهِ وَ يَسْجُدُ لِلسَّهْوِ» (محقق کرکی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ «اگر فرد در نماز تشهد یا جزئی از آن را فراموش کرد بعد از رکوع به یاد آورد باید بعد از سلام قضای آن را به جا آورد و سجده سهو انجام دهد».

با بررسی نظرات فقهای اهل سنت و نظر محقق کرکی می توان گفت که ایشان اتفاق نظر دارند که بحث الخلل در دو موضوع سهو و شک در نماز مطرح می شود که نمونه ای برای سهو از فقهای اهل سنت و کرکی نقل شد و به طور کلی بیان شد که سجده سهو در جایی صورت می گیرد که نقصان یا زیادتی در جزئی از اجزای غیر رکنی نماز صورت گیرد که شرح آن و اقسام آن در کتب مفصل بیان شده است.

نتیجه گیری

در پایان و با توجه به بررسی تطبیقی موضوع و توجه فقها و صاحبان نظر شیعه به خلل الصلاة و فقهای اهل سنت به موضوع سهو در نماز، می توان گفت که فقه اهل سنت به عنوان فقه متقدم، به این موضوع با در نظر گرفتن اصول و مبانی فقه هرکدام از آنها، توجه کرده و دیدگاهی دقیق نسبت به این موضوع داشته است که در بالا نیز به برخی از آنها اشاره شد، اما فقهای شیعه

توجه خاص به موضوع *خلل الصلاة* داشته و آن را بیشتر و تخصصی‌تر مورد تحقیق و مذاقه قرار داده‌اند و حتی به نگارش آثار و کتابی به شکل مجزا در این مورد پرداخته‌اند که به برخی از آنها در پیشینه تحقیق اشاره شد. فقهای شیعه در این موضوع بیش از چهل اثر مستقل و برجسته نگاشته‌اند که نمایانگر توجه و اهمیت فقه امامی به این موضوع است.

با توجه به آثار موجود، اولین فقیه شیعی که در اثری با عنوان «الخلل» را برای مجموعه‌ای از مباحث فقهی برگزیده، ظاهراً حلی در کتاب *شرایع الاسلام* است. فقیهان پیش از حلی، یا به این مسائل توجهی نداشتند، یا ذیل عنوانهای دیگری به این موضوع پرداخته‌اند. به طور مثال صدوق در کتاب *المقنع فی الفقه*، زیر عنوان «باب السهو فی الصلاة» به برخی مسائل و احکام سهو، پرداخته است. صدوق همچنین در کتاب *الهدایة بالخیر*، زیر عنوان «باب مایعاد منه الصلاة» تنها حدیث معروف «لا تعاد الصلاة الا من خمس» را آورده و از آن رد شده است. مفید در کتاب *المقنعه فی الاصول والفروع*، زیر عنوان «باب احکام السهو فی الصلاة وما یجب منه اعاده الصلاة» احکام سجده سهو و کیفیت خواندن سجده سهو و چندین بحث دیگر را به اجمال مورد بررسی قرار داده است.

سید مرتضی علم‌الهدی در کتاب *جمل العلم والعمل* خود با تقسیم‌بندی جدیدی نسبت به تقسیمات فقهای پیش از خود، فروع بیشتری را مورد توجه و بحث قرار داده است.

البته باید یادآوری کرد که در آثار بزرگان اهل سنت نیز همین روشمندی به شکل خاص خود آنها وجود دارد، که گاهی با طرح سؤال و جواب و گاهی با شکل بیان موضوعات فرعی و ذکر احادیث و روایات، موضوع اصلی طرح شده است، ولی در آثار علمای شیعی، چند ویژگی عمومیت دارد که تمرکز بر اصل موضوع، تقسیم‌بندی ساده، تکثیر فروع و دقت در جزئیات، در کنار استفاده از احادیث و روایات، قابل توجه است.

در نهایت بر اساس آنچه گفته شد پیشنهاد می‌شود با بازبینی و تصحیح و احیای تراث و آثار بزرگان فقه اهل سنت و آثار مستقل فقهای شیعه که در زمینه‌های فقه عبادی نگاشته شده، گامهای موثری برای اعتصام به حبل‌الله و وحدت امت اسلام برداشت آن چنان که می‌توان موضوع «الخلل فی الصلاة» را پلی برای وحدت بین مذاهب اسلامی برشمرد، که در این پژوهش سعی شد نمونه‌هایی از این اتفاق آراء بیان شود.

کتابنامه

- ابن‌براج، عبدالعزیز بن نحریر (۱۴۰۶ق). *المهذب*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن‌حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق). *الوسیلة الی نیل الفضیلة*. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- ابن‌قدمه، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق). *المغنی*. قاهره: مکتبة القاهرة.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۷۴ش). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* (ترجمه محمدباقر ساعدی). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۳ق). *احکام الخلل فی الصلاة*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- آغاجری، سید هاشم (۱۳۸۰ش). *کنش دین و دولت در عصر صفوی*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- آقابزرگ طهرانی، محمدحسین (۱۴۰۸ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. قم: اسماعیلیان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق). *صحیح البخاری*. دمشق: دارطوق النجاة.
- بیجان، محمدجواد (۱۳۷۲ش). *محقق ثانی مقتدای*





- شيعه. تهران: سازمان تبليغات اسلامي.
- تنكابني، محمد بن سليمان (۱۳۸۰ش). قصص العلماء. قم: حضور.
- حائري، مرتضى (۱۴۲۰ق). خلل الصلاة و احكامه. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- حلي، حسن بن يوسف (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- خميني، سيد روح الله (۱۴۱۰ق). الخلل في الصلاة. قم: مطبعة مهر.
- روملو، حسن بيك (۱۳۵۷ش). احسن التواريخ. تهران: بابك.
- سرخسي، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق). المبسوط. بيروت: دارالمعرفة.
- سلار ديلمى، حمزة بن عبدالعزيز (۱۴۱۴ق). المراسم العلوية في الأحكام النبوية. قم: معاونت فرهنگي مجمع جهاني اهل بيت (ع).
- شافعي، محمد بن ادريس (۱۴۱۰ق). الأم. بيروت: دارالمعرفة.
- شريف مرتضى، على بن حسين (۱۳۸۷ق). جمل العلم و العمل. نجف: مطبعة الآداب.
- همو (۱۴۱۷ق). مسائل الناصريات. قم: مركز البحوث و الدراسات العلمية.
- شكوري، ابوالفضل (۱۳۷۰ش). نگاهي به روش فقهي مصلح بزرگ آيت الله بروجردي. آينه پژوهش، ۲(۱)، ۳۰-۷.
- طوسي، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق). تهذيب الأحكام في شرح المقنعه. تهران: دارالكتب الإسلامية.
- همو (۱۳۸۷ق). الجمل و العقود في العبادات. مشهد: دانشگاه فردوسي.
- همو (۱۳۴۲ش). النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى. اصفهان: مؤسسه تحقيقات و نشر معارف.
- مالك بن انس (۱۴۱۵ق). المدونة الكبرى. بيروت: دارالكتب العلمية.
- مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بيروت: مؤسسه الوفاء.
- محقق كركي، على بن حسين (بي تا). رسائل المحقق الكركي. قم: كتابخانه آية الله مرعشي نجفي.
- مدرس تيريزي، محمدعلي (۱۳۷۴ش). ريحانه الادب. تهران: خيام.
- مرواريد، علي اصغر (۱۴۱۰ق). سلسلة الينايع الفقهية. بيروت: مؤسسة فقه الشيعة؛ الدار الإسلامية.
- مسلم بن حجاج نيشابوري (۱۴۱۲ق). صحيح مسلم. بيروت: دارإحياء التراث العربي.
- مغنیه، محمدجواد (بي تا). الفقه على المذاهب الخمسة. بی جا: بی نا.
- موسوی خوانساری، سيد محمدباقر (۱۳۶۰ش). روضات الجنات في احوال العلماء و السادات. تهران: كتاب فروشي اسلاميه.